

خاطره بازی با شمسى فضل اللهى به بهانه ورودش به هشتاد و چهارمین سال زندگى

آشتى كنان با عطر گل ياس

شمسى فضل اللهى امروز وارد هشتاد و چهارمین سال زندگى اش مى شود. این هنرمند پیشکسوت از ۱۶ سالگى وارد عرصه هنر شده و در طول قریب به هفت دهه، در بازیگری در تلویزیون، سینما و تئاتر، گویندگی و صدایپیشگی فعال بوده است. حاصل این تلاش تقریباً ۷۰ ساله، بازی در سریال ها و فیلم های خاطره انگیز و ماندگاری از جمله امیرکبیر، عطر گل یاس، آیین، سایه همسایه، شیرسنگی و به حبه قند و خلق کاراکترهایی مانند مادام سریال امیرکبیر، زرین تاج عطر گل یاس و زن دایی یه حبه قند است. فضل اللهی همچنین در تلویزیون دوبلور سومیکو در مجموعه سال های دور از خانه (اوشین)، جیران سریال هزارستان، راوی و مادر بزرگ انیمیشن محبوب بامزی بوده و همچنین سال ها در برنامه های مختلف رادیو گویندگی کرده است. بهانه این گفت و گو با شمسى فضل اللهى سالروز تولد او و ورودش به هشتاد و چهارمین سال زندگى اش است. این هنرمند پیشکسوت چند سالی مى شود که به خاطر مشکلات جسمانى از بازیگری فاصله گرفته اما برنامه هفتگی اش در رادیو ایران با عنوان «فرهنگ مردم» را همچنان اجرا مى کند و چند سالی هم در تلاش است تا شاهنامه فردوسی را از نظم به نثر درآورد و با صدای خاص و لطیفش اجرا و منتشر کند.



زهراصلواتى

خبرنگار

برایم دیدنی بود، تا جایی که خواش کردم و بچه هایم را هم با خودم بردم. خود فیلم هم که خیلی زیبا بود، مخصوصاً سکانس های آخر. به هر حال، چون همه کارهایم را با علاقه انجام داده ام، خیلی دشوار است که بخوام یکی را انتخاب کنم.

[۴] یکی از بازی های ماندگارتان به سریال عطر گل یاس بازمی گردد که نقش خانم تاج را بازی می کردید.

بله، وقتی عطر گل یاس پخش شد، مردم می گفتند؛ خانم! به خاطر پایان زیبایی سریال شما خیلی ها با هم آشتی کردند. جالب این که رابطه من با یکی از اقوام که شکرآب بود هم بعد از این سریال، به آشتی ختم شد. این سریال تأثیر خیلی خوبی بر جامعه گذاشت و اگر مجدداً پخش شود، حتماً تماشايش می کنم.

[۴] یکی دیگر از آثار ماندگارتان در سریال امیرکبیر با نقش مادام رقم خورد. این شخصیت لهجه خاصی داشت.

لهجه مادام خیلی سخت شکل گرفت. تا آن زمان معمولاً چنین نقش هایی را با لهجه ارمنی بازی می کردند اما مادام فرانسوی بود و دلم می خواست لهجه متفاوت و جدیدی داشته باشد. خودم کمی فرانسوی می دانستم و دخترم هم در دانشگاه زبان فرانسه خوانده بود؛ یک دوست خارجی هم داشتم که به طرز صحبت کردنش به فارسی خیلی دقت می کردم و در نهایت، لهجه کاراکتر مادام خلق شد. آقای سعید نیک پور هم برای ساخت سریال امیرکبیر خیلی زحمت کشیدند.

[۴] از نقش های ماندگارتان همچنین می توان به فیلم به حبه قند و نقش زن دایی اشاره کرد. این نقش تقریباً دیالوگ نداشت و به عنوان بازیگر باید بیشتر حس تن را با حالت چهره و چشم به مخاطب منتقل می کردید.

بله، آلزایمر در انسان ها به اشکال مختلف است؛ برخی سکوت می کنند و بعضی ها هم زیاد حرف می زنند یا چیزی را که دوست دارند و در یادشان است مدام تکرار می کنند. نقش زن دایی را خیلی دوست داشتم و ماندگار شد.

[۴] شما علاوه بر بازیگری و گویندگی، در حوزه دوبله هم فعال هستید و دوبله های خاطره انگیزی مانند راوی و مادر بزرگ انیمیشن بامزی را در کارنامه دارید. آیا پیش آمده مردم شما را به واسطه صدايتان بشناسند؟

بله، خیلی زیاد. معمولاً در اتوبوس و وسایل نقلیه خیلی حرف نمی زنم و سعی می کنم ساکت باشم. البته مردم همیشه به من لطف داشته اند.

[۴] یکی از کارهای ماندگارتان در حوزه دوبله هم صدایپیشگی کاراکتر جیران با لهجه آذری اش در سریال هزارستان است. با این که نقش جیران خیلی کوتاه بود اما صدای شما باعث شد تا به یکی از شخصیت های ماندگار سریال تبدیل شود.

خیلی خوشحالم که با مرحوم علی حاتمی در سریال هزارستان کار کردم. از سال ها پیش از هزارستان ایشان را می شناختم.

[۴] اوضاع هنر دوبله و حضور جوانان در این عرصه را چگونه ارزیابی می کنید؟

من که در خانه هستم و تلویزیون هم زیاد می بینم. به نظرم جوانان سعی می کنند خود را به لحاظ تکنیکی در دوبله بالا بکشند. البته در زمان ماکار خیلی سخت بود و مدیران دوبلاژ واقعاً سختگیر بودند و خیلی هم زحمت می کشیدند. آن زمان دوبله شکل و حال و هوای دیگری داشت؛ مثلاً ما می رفتیم و خانم رفعت هاشم پور را که در حال دوبله بودند تماشا می کردیم.



کردم و تا به امروز بخش هایی از شاهنامه را با صدای خودم در صفحات شخصی ام در فضای مجازی بارگذاری کرده ام. علاوه بر این، سال هاست که برنامه فرهنگ مردم رادیو ایران را دارم که هر هفته جمعه ها پخش می شود. این برنامه ۶۰ سال است که روی آنتن می رود و از فرهنگ، هنر، زبان، کتاب، آداب، رسوم و سنت های مردم سخن می گوید.

[۴] پس خودتان دست به قلم هم هستید؟

بله، نمایشنامه برای رادیو زیاد نوشته ام که بسیاری از آنها اجرا هم شده، اما فرصت چاپ کردن شان را به دست نیاورده ام.

[۴] تقریباً به مدت هفت دهه است که در حوزه های مختلف هنری از جمله بازیگری، گویندگی و دوبله فعالیت دارید. کدام یک از این حوزه ها برای خودتان جذابیت بیشتری داشته و در اولویت بوده است؟

فرقی نمی کند. همه برایم جذاب هستند و دوست شان دارم. در هر کاری که بوده ام حتماً دوستش داشته ام، البته نمایش رادیویی حال و هوای مخصوص به خودش را دارد.

[۴] شما در سریال های تلویزیونی خاطره انگیز و ماندگاری مانند امیرکبیر، عطر گل یاس، آیین، سایه همسایه و... بازی داشته اید. سریال محبوب خودتان کدام است؟

اگر بازیگر در سریال بدی بازی کرده باشد، هیچ وقت مطرح نمی شود و اگر خودش کار را دوست نداشته باشد، مخاطب هم دوست نخواهد داشت. بازیگری یک تفاوت اساسی با کارگردانی و نویسندگی دارد؛ بازیگر انتخاب می شود. حالا گاهی شانس می آورد و خداوند همراهش است و نقش خوب پیشنهاد می شود که هم خودش از کارش لذت می برد و هم مردم. وقتی برای بازی در فیلم شیر سنگی به چهارمحال و بختیاری رفتیم، زیبایی کوه ها و دشت ها خیلی



وقتی «عطر گل یاس»

پخش شد، مردم

می گفتند؛ خانم!

به خاطر پایان زیبای

سریال شما خیلی ها با

هم آشتی کردند. جالب

این که رابطه من با

یکی از اقوام که شکرآب

بود هم بعد از این

سریال، به آشتی ختم

شد. این سریال تأثیر

خیلی خوبی بر جامعه

گذاشت و اگر مجدداً

پخش شود، حتماً

تماشايش می کنم

[۴] امروز روز تولد شماست و وارد هشتاد و چهارمین سال زندگى تان می شوید. اگر تگاهی به گذشته داشته باشید از راهی که در عرصه هنر پیموده اید، راضی هستید و اگر امکان شروع مجدد داشته باشید دوباره همین مسیر را انتخاب می کنید؟

کار هنری کردن خیلی سخت و مشکل است. گاهی فرصت کار کردن را داری و خیلی وقت ها هم بیکار هستی. پیش می آید با کارگردانی کاری می کنی که ناوارد است یا بازیگرانی در پروژه حضور دارند که کاربلد نیستند. دوست داشتم کار ما قانونمندتر بود تا لذت بیشتری می بردیم. به هر حال، ما در این سال ها زحمت زیادی کشیده ایم و خیلی اذیت شده ایم. از همان ابتدا که وارد کار نمایش شدم مرحوم مصطفی اسکویی از سختی کار می گفت. خوبی کار ما این است که در قالب قصه، حرف دل مردم را می زند.

[۴] آخرین حضورتان در تلویزیون به سریال بوی باران بازمی گردد. چرا این قدر کم کار شده اید؟

شرایط جسمی ام اجازه کار سخت و طولانی را نمی دهد. قلبم فنر دارد و توان کار کردن بلندمدت را ندارم. البته اگر نقشی را دوست داشته باشم و زمان زیادی هم طلب نکند، حتماً می پذیرم؛ مثل سریال دفتر یادداشت که سال گذشته بازی کردم و از شبکه نمایش خانگی پخش شد. سریال دفتر یادداشت که سال گذشته بازی کردم و از شبکه خانگی پخش شد، در آن نقش کوتاهی داشتم اما برایم جذاب بود و از نتیجه کار راضی هستم، البته جوانان هم باید فرصت بازی کردن داشته باشند.

[۴] روزهایتان را چگونه می گذرانید؟

از زمان شیوع کرونا شروع کردم به نثر درآوردن شاهنامه فردوسی. گاهی جوانانی را می دیدم که می گفتند شاهنامه نفیس از پدر بزرگ شان به آنها رسیده اما شعر را دوست ندارند و حوصله و فرصت خواندن هم ندارند. از همانجا به ذهنم رسید که شاهنامه را به نثر دربیارم و با صدای خودم بخوانم. همزمان با کرونا آغاز